

## جیاپ، فرماندهی نابغه

برگردان: هوشنگ ثابت

وَنگُوین جیاپ، نامی که بر کام خاطره فرانسوی‌ها شرنگ است. این ژنرال ویتنامی، فاتح مستعمره فرانسه و آمریکای «امپریالیست»، امروز موضوع یادواره‌ای، نوشته‌ی یک تاریخ‌نویس آمریکایی به نام سسیل ب. کوری<sup>۱</sup>، قرار گرفته است. این کتاب به مدت ۵ سال، با کاوش‌هایی از گذشته و سندهای تاریخی و بایگانی در تشریح گفته‌ها و نوشته‌ها و بررسی مطبوعات و ادبیات، همان اندازه ویتنامی که آمریکایی، برای پی‌گیری این انسان در مورد مصاحبه‌های او، گفتم‌وگو با خانواده و نزدیکان او، و نیز مصاحبه با رقیبان آمریکایی او، پخته و سنجیده به نگارش درآمده است. در عوض، کاوش‌های بیرون کشیده او از بایگانی‌ها یا استناد وی به مدرک‌های فرانسوی، قراردادی‌تر باقی می‌مانند. آن چه خواننده را از ادامه‌ی خواندن باز نمی‌دارد، جنبه‌ی رمان‌وارش است. تصویری که از ژنرال جیاپ می‌سازد، نقش یک مانورگر ماهر، و سازمانده‌ نابغه‌ای است که شکیبایی و پشتکار را به خدمت اراده‌ای تسکین‌ناپذیر به کار می‌گیرد.

برای نشان دادن این مرد در تاریخ فرانسه، باید به جنگ دوم جهانی برگشت که رویدادهای آن، امپراتوری مستعمره‌ها را لرزاند. هندوچین فرانسه، به استثنای کوشن شین، مرکب از تحت‌الحمایگی‌ها با حاکمیت آن‌ها، و دولت‌های آن‌ها و آموزش ویژه آن‌ها، از جنبش استقلال‌خواهی جدا نشد. این چیزی است که در سال ۱۹۴۵ انگیزه‌ی بدگمانی حکومت موقت فرانسه شد، چون که ترجیح داد محور سیاست خود را در برقراری دوباره‌ی سلطه‌ی کامل فرماندهی فرانسه، که مورد دست‌اندازی ژاپن بود، به‌پا دارد و یک فدراسیون هندوچین مرکب از ۵ قلمروی خودمختار شامل: تونکن - آنام - کوشن شین - کامبوج - لائوس تشکیل دهد. اساسنامه آن در زیر فشار جنبش‌های انقلابی، مورد رد و اعتراض قرار می‌گیرد. در کنفرانس پُتسدام، نهادی ظریف و الصاقی به آن افزوده می‌شود که خلع سلاح دسته‌های ژاپونی را در شمال مدار ۱۶ درجه به ارتش هندوچین، و در جنوب به ارتش بریتانیا واگذار می‌کند.

1. Cecil B. Currey

اگر فرانسه، خوب یا بد، از نو منطقه‌ی جنوب را تصاحب کرد، وضع شمال با حضور دسته‌های چینی و وجود یک دولت در دست ویت‌مین، به‌این‌گونه نبود. آن‌ها با بازگشت فرانسوی‌ها مخالف بودند. حتی اگر فرانسه در پی گریز مسالمت‌آمیز می‌بود، ناکامی‌های سیاسی پی‌درپی، رویدادهای پی‌درپی در شمال، جنگ چریکی در جنوب، گسست و جدایی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. این رویداد در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۶، هنگامی که ویت‌مین به‌تمام پادگان‌های فرانسوی یورش برد، رخ داد. فردای آن روز هوشی مین یک جنگ تمام‌عیار و همه‌جانبه را اعلام کرد.

نگوین جی‌اپ شبکه‌ی خود را پنهانی آماده کرد و ارتشی کارآمد و استراتژی یک جنگ فرسایشی را رو به‌راه کرد. در سال ۱۹۴۹ پیروزی کمونیست‌ها در چین کمک چشم‌گیری بود برای ویت‌مین که ازین پس از جناح پشت‌آسیب‌ناپذیر می‌شد. در این زمینه است که جی‌اپ نخستین شکست بزرگ را در کائو‌بانگ<sup>۱</sup> به فرانسوی‌ها وارد می‌نماید. به‌عقیده شارل - هانری دوپیری که این درام زنده را نقل می‌کند: «اگر کائو‌بانگ مأوایی برای رویداد اصلی و عمده‌ی تاریخ نظامی در هندوچین خوانده شد، همان چیزی است که به‌ویژه - چنانچه به‌اشتباه‌ها و ضعف‌های خود پی برده بودیم، باید ما را از دین بین‌فروبرحذر داشته از همان سال ۱۹۵۳ وادار به‌امضای صلح کرده باشد».

در میان انسان‌هایی که در کائو‌بانگ کشته شدند، بعضی‌ها، از جان سالم به‌در بردگان جنگ جهانی دوم بودند. با این برهان، گواهی رنه لوس کوپن<sup>۲</sup> سازنده است. گروهان پرستار سابق هنگ یازدهم لژیون خارجی، در جای نصب صلیب‌های یک هنگ که  $\frac{3}{4}$  آن در فاجعه‌ی ۱۹۴۰ کشته داشت، صادقانه نقل می‌کند: «بازماندگان بیشه اینور و سن ژرمن سورموز در مصیبت کائو‌بانگ، دلاورانه خُرد و متلاشی شده بودند». سسیل ب. کوری می‌نویسد: «این بزرگ‌ترین و تنها شکستی است که فرانسوی‌ها تا آن زمان در تاریخ جنگ‌های مستعمراتی خود متحمل شدند که حتی سخت‌تر از مرگ مون کالم<sup>۳</sup> در دشت‌های آبراهام، به‌هنگام محاصره طولانی کبک در سال ۱۷۵۹، بود».

از روزنامه‌ی فیگارو

1. Cao Bang

2. René Luce Coupin

3. Montcalm مون کالم ژنرال فرانسوی ۱۷۱۲-۱۷۵۹ میلادی علیه انگلیسی‌ها در کانادا با شجاعت جنگیده. اما در دفاع از کبک کشته شد. (از لاروس)